

بررسی جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران^۱ Study of Curriculum Orientation in the Concentration Period in Iran's Higher Education System

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۷؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۱۰؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۲/۲۳

SM. Kiaee Jamali (MA), K. Fathi Vajargah (PhD.), N. Mosapoor (PhD.) & A. Khorasani (PhD.)

Abstract: The purpose of this study is to identify the orientations and features of the curriculum in the period of centralization in Iran's higher education system. The research methodology is a historical research tradition and it is a qualitative method that has been tried by using resources, documentation and available literature and interviewing key experts in the field of higher education and curricula to identify the orientations of curriculum in The five dimensions of the process, system, field of study, occupation and knowledge during the period of focus, and examine the characteristics of curricula in this course.

Findings, this period began in 1984 with the formation of the Supreme Council for Planning in the Ministry of Science, and continued until 2000. In this period, in order to realize the goals of the Islamic Revolution, the programs of undergraduate, postgraduate and doctoral studies were focused and reviewed by the Supreme Council for Planning at the Ministry of Science, Research and Technology, and universities were required to implement the decrees of that council. From the point of view of part of the rule of this period, the university was more skilled than a system for the political socialization of individuals, so one of the main directions of the course was to direct curricula to the needs of society.

سیدمهدی کیایی جمالی^۲، کورش فتحی واجارگاه^۳، نعمت‌الله موسی‌پور^۴ و اباصلت خراسانی^۵

چکیده: هدف از این پژوهش، شناسایی جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران می‌باشد. روش پژوهش مورد نظر تاریخی می‌باشد که محقق تلاش نموده با بهره‌گیری از مستندات و آیین‌نامه‌های در دسترس و مصاحبه با خبرگان کلیدی حوزه آموزش عالی و برنامه درسی نسبت به شناسایی جهت‌گیری‌های برنامه‌های درسی در پنج بعد فرایند، نظام، رشته تحصیلی، حرفه و دانش در دوره تمرکزگرایی بپردازد. حوزه پژوهش بررسی کلیه متون، پژوهش‌های انجام شده و اسناد مربوط به برنامه‌های درسی و نتایج حاصل از مصاحبه با مطلعین کلیدی حوزه آموزش عالی و برنامه درسی بود. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات و استخراج بندها مرتبط با موضوع پژوهش، فیش‌های تحقیق بودند که همه توسط محقق ساخته شدند. سپس داده‌های گردآوری شده از طریق تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها، این دوره از سال ۱۳۶۳ با شکل‌گیری شورای عالی برنامه‌ریزی در بدنه وزارت علوم شروع و تا سال ۱۳۷۹ ادامه یافت. در این دوره برای تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب اسلامی برنامه‌های دوره‌های تحصیلی به صورت متمرکز و به وسیله شورای عالی برنامه‌ریزی مورد بازبینی قرار گرفت و دانشگاه‌ها ملزم به اجرای مصوبات آن شورا شدند. بدین ترتیب نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز سایه خود را بر آموزش عالی کشور نیز افکند.

Key words: Higher Education, centralization, Higher Education Curriculum, curriculum Orientation.

کلید واژه‌ها: آموزش عالی، تمرکزگرایی، برنامه درسی آموزش عالی، جهت‌گیری‌های برنامه‌های درسی.

۱. مقاله برگرفته از پایان‌نامه دوره دکتری دانشگاه شهید بهشتی.
۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی smkia1382@yahoo.com
۳. استاد دانشگاه شهید بهشتی.
۴. دانشیار دانشگاه فرهنگیان.
۵. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

آموزش عالی یکی از زیرساخت‌های نظام آموزشی هر کشور می‌باشد که وظیفه آن تربیت نیروی متخصص در حوزه‌های مختلف، پژوهش و ارائه خدمات تخصصی در حوزه‌های متنوع علم و فناوری جامعه است (گیدنز^۱، ۱۹۸۹). آموزش عالی به‌عنوان یک حوزه تخصصی شامل زیرسیستم‌ها و قلمروهای متعدد از جمله پژوهش، آموزش، مشاوره، ارزیابی، برنامه‌های درسی و غیره می‌باشند، و ارتقا آن نیازمند یک جهت‌گیری راهبردی و اتخاذ سیاست‌هایی مبتنی بر رشد و ارزشیابی متناسب با تحولات محیطی موجود و بهره‌گیری از آن می‌باشد (تیچلر^۲، ۲۰۱۵). برنامه‌های درسی در آموزش عالی یکی از زیرنظام‌هایی است که نقش اساسی در متحول شدن آموزش عالی و جامعه دارد. زیرا؛ آموزش عالی از طریق برنامه‌های درسی مصوب در تلاش است به اهداف مطلوب دست یابد (بارنت و کوآت^۳، ۲۰۰۵). بدون تردید، برنامه‌های درسی آئینه تمام‌نمای میزان پیشرفت و انعکاسی از پاسخگو بودن دانشگاه‌ها به نیازهای در حال تغییر جوامع هستند. ولی متأسفانه علی‌رغم اهمیت و حساسیت برنامه‌های درسی در مؤسسات آموزش عالی، میزان توجه به آن‌ها کافی نیست (مهرمحمدی، ۱۳۸۷؛ بارنت و کوآت، ۲۰۰۵؛ هیکز^۴، ۲۰۰۷) و حتی تلاش‌های لازم برای بررسی، ارزشیابی، اصلاح، و تغییر آن‌ها در دستور کار قرار نگرفته است (استارک^۵، ۱۹۹۷). آموزش عالی به‌عنوان یکی از دوره‌های تحصیلی در نظام آموزشی به میزانی که دوره‌های ماقبل دانشگاه، توجه متخصصان برنامه‌ریزی درسی در سطح جهان را به خود جلب کرده است، موضوع نظریه‌پردازی و پژوهش علمی قرار نگرفته است. این وضعیت با یک نظر اجمالی به منابع علمی و تخصصی موجود در قلمرو برنامه‌ی درسی و همچنین مقالات علمی و پژوهشی چاپ شده در این رشته به روشنی قابل احراز و اثبات است (مهرمحمدی، ۱۳۸۷). کشور ما نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست و حجم ناچیز فعالیت‌های علمی از انواع مختلف در مقایسه با آنچه در حوزه‌ی آموزش و پرورش عمومی اتفاق افتاده است، شاهد روشنی بر این مدعاست (همان). تقسیم‌بندی‌های متنوعی از سیر تحول آموزش عالی و دانشگاه در ایران صورت گرفته است (حسینی، ۱۳۸۹، منصوری، ۱۳۸۹، عزیزی، ۱۳۸۸، فراستخواه، ۱۳۸۸، سلیمی و محمدی‌مهر، ۱۳۸۷)، و نحوه شکل‌گیری و نقاط ضعف و قوت هر دوره تحول آموزش عالی مورد بررسی و کنکاش محققین قرار گرفته است (فراستخواه ۱۳۸۸، سلیمی و همکاران، ۱۳۹۳). ولی در این پژوهش‌ها کمتر به مباحث مربوط به برنامه‌های درسی اشاره شده است. در این پژوهش سعی محقق بر این بوده که جهت‌گیری‌ها، ویژگی‌ها و رخدادهای اثرگذار برحوزه برنامه درسی

1. Gidens
3. Barnett, coate
5. Stark

2. Teichler
4. Hicks

بررسی جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران ۱۶۱

دانشگاهی را در پنج بعد فرایند، نظام، رشته تحصیلی، حرفه و دانش در دوره تمرکزگرایی که یکی از دوره‌های مهم در حوزه برنامه درسی آموزش عالی ایران می‌باشد را بررسی نماید. این دوره از زمان شکل‌گیری شورای عالی برنامه‌ریزی در بدنه وزارت علوم در سال ۱۳۶۳ آغاز و تا سال ۱۳۷۹ به طول کشید.

در دهه نخست انقلاب و بر اثر تحولات نهادها، روند عادی و متعارف برنامه‌ریزی علمی و تخصصی برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی چه به صورت پنج ساله و چه به صورت بیست ساله، از جمله در بخش آموزش عالی به تعویق افتاد و منشاء آن عوامل متعددی بود مانند وجود شرایط جنگی، مقتضیات ناشی از وضعیت اوایل انقلاب و دیدگاه‌های حاکم بر آن، بر هم خوردن الگوهای پیشین مدیریت و برنامه‌ریزی در کشور، فعالیت نهادهای موازی انقلابی (مثل ستاد انقلاب فرهنگی و شورای عالی انقلاب فرهنگی) در کنار سازمان‌ها و دستگاه‌های متعارف دولت (مانند وزارت فرهنگ و آموزش عالی و ...) پدید آمدن نوعی تعدد و توازی در مراکز تصمیم‌گیری کشور و عواملی دیگر از این قبیل شد. (فراستخواه، ۱۳۸۸).

پایان جنگ تحمیلی و ارتحال حضرت امام (ره) دوره تاریخی جدیدی را برای جامعه رقم زد، زیرا گفتمان بوروکراتیک و فن‌سالارانه دولت هاشمی لزوم سازندگی کشور و بازسازی ویرانی‌های جنگ، کنترل فرهنگی متعادل را ایجاب می‌کرد. نظام آموزشی که یک دهه رکود و بی‌توجهی را پشت سر نهاده بود، نیازمند بازسازی و ارتقای کمی و کیفی بود تا پاسخگوی تقاضای روزافزون ورود جوانان به دانشگاه‌ها باشد. بنابراین، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در سطح کشور گسترش کمی بسیاری یافت، به گونه‌ای که به دانشگاه صرفاً به‌عنوان یک کارخانه نیروسازی و بنگاه علمی نگاه می‌شد. به عبارت دیگر، «از دید این بخش از حاکمیت، دانشگاه بیشتر از آن‌که دستگاهی برای جامعه‌پذیری سیاسی افراد باشد، دستگاه تأمین‌کننده نیروی انسانی ماهر بود» (گلکار، ۱۳۸۶).

در این دوران و با بازگشایی دانشگاه‌ها در سال تحصیلی ۶۳-۶۲، مسائل آموزشی عالی یکی پس از دیگری خود را آشکار می‌ساخت و به حدی بود که بخشی از این مسائل و مشکلات، حتی در گزارش‌های هیأت ارزیابی و نظارت ستاد انقلاب فرهنگی نیز منعکس می‌شد. بنابر مروری که برای بررسی وضعیت دانشگاه‌ها و دانشگاهیان در سال تحصیلی ۶۳-۶۲ به صورت انتخاب تصادفی در صورت جلسه ۲۶ تا ۳۹ هیأت‌های یاد شده اعزامی به مجتمع دانشگاهی ادبیات علوم انسانی، دانشگاه الزهرا (س)، اصفهان، بوعلی همدان، رازی کرمانشاه، پلی تکنیک و تبریز انجام گرفت، دانشگاه‌ها از فقدان اختیارات چاپ کتاب درسی برای خود، ابهامات بوجود آمده در برنامه های درسی، عدم مشارکت خود در تدوین آیین‌نامه‌ها، عدم تناسب سرفصل‌های درسی ستاد با

نیازها و الویت‌ها، مشکل دانشجویان در نحوه تطبیق دروس در مراحل انتقال و... گله کرده‌اند (شورای عالی ارزیابی و نظارت، ۶۳-۱۳۶۲، ص ۷۱-۱).

در این گزارش‌ها جمعاً ۳۷۴ مورد مسئله عنوان شده که از میان آن‌ها ۲۴۴ مورد یعنی ۶۵/۲٪ در ارتباط با برنامه‌ریزی آموزشی و درسی بوده است. آنچه در زیر می‌آید نمونه‌ای از این ۲۴۴ مورد می‌باشد:

برنامه‌ریزی درسی

- تعداد واحدهای درسی خصوصاً واحدهای دروس عمومی برای یک دوره تحصیلی بسیار زیاد است.
 - درس‌هایی مانند ادبیات معاصر، جغرافیای تاریخی جهان، زبان‌های باستانی ایران، گویش‌های ایرانی و زبان‌شناسی، حذف و به جای آن دروس عمومی زیادی مانند عربی و انواع دروس اسلامی گنجانیده شده است.
 - در برنامه پزشکی، فنی و علوم پایه، درس‌های بسیار ضروری در برنامه نیامده است.
 - در برنامه‌ها و سرفصل‌های درسی پیش‌نیازها به درستی ملحوظ نشده است.
 - سرفصل‌های تعیین شده با نیازها و الویت‌های تحصیلی رشته‌ها مطابقت ندارد.
 - منابع اعلام شده، جدید و روزآمد نیست.
 - منابع اعلام شده در برگیرنده همه مطالب سرفصل درسی نیست.
 - در برنامه‌ریزی درسی نظریات تخصصی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها در نظر گرفته نشده است.
 - جزوات درسی تهیه شده از حداقل کیفیت مطلوب برخوردار نیستند.
 - (شورای عالی ارزیابی و نظارت، ۳-۱۳۶۲، ص ۷۱-۱).
- هم‌چنین در سال ۶۲ براساس یک نظرسنجی که توسط نهادهای وابسته به ستاد انقلاب فرهنگی در درون دانشگاه‌ها (انجمن‌های اسلامی و بخش‌های فرهنگی جهاد دانشگاهی) پیرامون وضعیت اجرای برنامه‌های درسی معارف اسلامی و تدریس دروس آن در دانشگاه‌ها به عمل آمده بود، کیفیت اجرای این دروس به شدت نامطلوب ارزیابی شده است. وجود واحدهای درسی که به عنوان اسلامی‌سازی، در آغاز تا سقف ۴۷۰ ساعت برای یک دوره تحصیلی در دانشگاه (تا حد گنجاندن دروسی مثل منطق، عربی و...) آن هم به صورت الزامی برنامه‌ریزی شده بود، به معضل بزرگی برای دانشجویان تبدیل شده بود (کمیته معارف اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۱۱-۱).

از سویی ستاد انقلاب فرهنگی نیز با این مسائل و مشکلات درگیر بود، علاوه بر این مسائل موانع دیگری از جمله ناکافی بودن اعضای ستاد انقلاب فرهنگی، عدم صرف وقت کافی اعضا در

بررسی جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران ۱۶۳

ستاد به دلیل اشتغالات گوناگون، عدم هماهنگی نظام آموزش عالی با سطوح دیگر آموزشی و ... موجب گشت تا سردمداران جامعه به فکر چاره‌ی کار باشند، از این روی اولین اقدام آن‌ها تبدیل ستاد انقلاب فرهنگی به شورای عالی انقلاب فرهنگی بود (روشن نهاد، ۱۳۸۲) ترمیم ستاد انقلاب فرهنگی باعث تقویت بیشتر آن شده بود. شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۹/۱۹ به دنبال حکم حضرت امام (ره) تشکیل شد تا دولت را در روند اسلامی شدن دانشگاه‌ها یاری دهد. این شورا در راستای گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه، در حوزه دانشگاه بر دو نکته تأکید داشت؛ نخست، تزکیه محیط‌های علمی و فرهنگی از افکار مادی و فرهنگ غربی و دوم، تحول دانشگاه و مدارس و مراکز فرهنگی هنری براساس فرهنگ اسلامی (گلکار، ۱۳۸۶).

پس از تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی برنامه‌ریزی شکل گرفت. این شورا طبق مصوبه جلسه فوق‌العاده مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی برای امر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی و تدوین و تصویب آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی از میان صاحب‌نظران و استادان باتجربه دانشگاه‌ها با اهداف زیر تشکیل شد:

- ایجاد وحدت و یکپارچگی در نظام آموزش عالی
- رعایت کلیه قواعد و اصول برنامه‌ریزی آموزشی، درسی و پژوهشی
- ایجاد هماهنگی در برنامه‌های درسی، مقررات آموزشی و تربیت نیروی انسانی
- ایجاد ارتباط بین نهاد تصمیم‌گیری و دستگاه‌های اجرایی
- به روزکردن برنامه‌های درسی و انطباق با نیازهای اجتماعی-اقتصادی کشور (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۳).

در سال ۱۳۷۲ و براساس مصوبه سیصد و بیستین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی وظایف شورای عالی برنامه‌ریزی ترمیم، که بندهای مرتبط با برنامه درسی به شرح ذیل می‌باشد:

- برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی در سطح آموزش عالی براساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و ارائه پیشنهادها لازم به شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد خط‌مشی کلی و سیاست‌های آموزشی و پژوهشی و برنامه‌ریزی درسی تمام مقاطع تحصیلی و رشته‌های مختلف دانشگاهی و اصلاح، تغییر و بازنگری برنامه‌های مصوب.
 - بررسی و تصویب کلیه برنامه‌های درسی و مقررات و ضوابط آموزشی و پژوهشی مربوط به وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و نهادهای انقلاب اسلامی که در آن‌ها دوره‌های آموزش عالی دایر است و به نوعی مدرک دانشگاهی منتهی می‌گردد.
- درخصوص بحث تمرکزگرایی در برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی پژوهش‌هایی صورت گرفته است (نوحی، ۱۳۸۴، گویا، قدکساز، ۱۳۸۴، موسی‌پور و همکاران، ۱۳۸۴، سلیمی و محمدی

مهر، ۱۳۷۸، مؤمنی مهمویی، فتحی واجارگاه، ۱۳۸۴). ولی در این پژوهش‌ها کمتر به مبحث جهت‌گیری‌ها، ویژگی‌ها و رخدادهای اثر بر برنامه درسی توجه شده است. مؤمنی مهمویی، شریعتمداری، نادری (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در آموزش عالی پرداخته‌اند. در این مقاله به یکی از تحولات مهم نظام برنامه‌ریزی درسی کشور پرداخته شده است. به اعتقاد نگارندگان برنامه درسی آموزش عالی که در زمان حاضر در دانشگاه‌های ایران وجود دارند و اجرا می‌گردند، محصول فعالیت عمده نهاد شورای عالی برنامه‌ریزی است که از اواخر سال ۱۳۶۳ فعالیت خود را آغاز نمود و اهدافی هم‌چون، ایجاد وحدت و یکپارچگی در نظام آموزش عالی، رعایت کلیه قواعد و اصول برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی، ایجاد هماهنگی در برنامه‌های درسی و ... دنبال کرده است. در این زمینه چالش‌های پیش روی آموزش عالی می‌توان به عدم تطابق برنامه‌های درسی با تقاضای بازار کار و موفق نبودن برنامه‌های درسی در کمک به دانشجویان برای کسب اطلاعات و مهارت‌های لازم جهت ایفای نقش مؤثر در دنیای متحول امروزی مشاهده می‌شد.

سلیمی و محمدی مهر (۱۳۷۸) در تحقیقی با عنوان چشم‌اندازهای جهانی و چالش‌های ملی در آموزش عالی؛ با تأکید بر برنامه‌های درسی آموزش عالی ایران اشاره می‌کنند که بعد از انقلاب اسلامی، از سال ۵۷ تا سال ۷۲، نهادهایی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی برنامه‌ریزی، و شورای عالی گسترش، مسئولیت برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها را برعهده داشتند. در این دوره یک سیستم کاملاً متمرکز بر نهادهای آموزش عالی مدیریت می‌کرد و از تمام نهادها خواسته شده بود که از دستورالعمل‌ها و برنامه‌های متمرکز کاملاً پیروی نمایند. لذا برنامه‌ریزی درسی نیز از این امر مستثنی نبود و سایه تمرکزگرایی بر آن سایه افکند.

فتحی واجارگاه و نوروززاده در کتاب درآمدی بر برنامه‌ریزی درس دانشگاهی (۱۳۸۷)، تحولات برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی ایران را به دو دوره عمده قبل و بعد از انقلاب تقسیم‌بندی نمودند. بعد از انقلاب و به دنبال تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی برنامه‌ریزی، طبق مصوبه جلسه فوق‌العاده مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۸، برای امر برنامه‌ریزی، تدوین، تصویب، آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی از میان صاحب‌نظران و استادان با تجربه دانشگاه‌ها تشکیل گردید و به برنامه‌ریزی درسی برای دوره‌های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به‌صورت متمرکز در بدنه وزارت علوم پرداختند.

با عنایت مطالب فوق‌الذکر هدف از انجام این پژوهش بررسی جهت‌گیری‌ها، ویژگی‌ها و رخدادهای اثرگذار بر برنامه‌های درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران می‌باشد. در این تحقیق جهت‌گیری برنامه درسی را معادل جنبش برنامه درسی قرار می‌دهیم. منظور از جنبش برنامه درسی مشخصات برنامه درسی در طول زمان است که با استناد به نظریه بنیادی

بررسی جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران ۱۶۵

موسی‌پور (۱۳۸۷) پنج بعد اصلی (برنامه درسی به‌مثابه فرایند، به‌مثابه نظام، به‌مثابه رشته تحصیلی، به‌مثابه حرفه و به‌مثابه دانش یا علم) با سؤالات ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

سوال ۱. جهت‌گیری برنامه‌های درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران کدامند.

سوال ۲. ویژگی‌های برنامه‌های درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران کدامند.

سوال ۳. رخدادهای اثرگذار بر حوزه برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران کدامند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش مورد نظر از نوع تاریخی است که محقق تلاش نموده با بهره‌گیری از منابع و مستندات در دسترس جهت‌گیری‌های برنامه‌های درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران را با دیدگاه تحلیلی نشان دهد. پژوهش تاریخی به بررسی موضوعات معین در مقطع زمانی مشخص می‌پردازد و محقق با ارزشیابی صحت و سقم مطالب به تفسیر و تحلیل اطلاعات بدست آمده اقدام می‌کند. در همین راستا پژوهش تاریخی به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کمک می‌کند تا ضمن درک شرایط کنونی بتوانند برنامه‌های مناسبی را برای آینده پیش‌بینی نمایند (گال و همکاران، ۱۳۸۶). اگرچه هیچ نظریه یا رویکرد شخصی در خصوص مطالعات و پژوهش‌های تاریخی که مورد استفاده قرار گرفته باشد وجود ندارد، اما مجموعه‌هایی کلی از مراحل که باید در آن طی شوند به شرح زیر می‌باشد. لازم به ذکر است که برخی از مراحل زیر با یک‌دیگر هم‌پوشانی نیز دارند (جانسون، ۲۰۱۲).

- شناسایی عنوان تحقیق و تدوین سؤالات و مسائل تحقیق
- جمع‌آوری داده‌ها و بررسی ادبیات تحقیق
- ارزیابی و بررسی مورد تحقیق
- ترکیب داده‌ها
- آماده‌سازی گزارش

در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها و بررسی ادبیات تحقیق از منابع دست اول و منابع دست دوم استفاده گردید. منابع دست اول مورد استفاده در این مطالعه عبارت بودند از: مستندات، مصوبه‌ها، آیین‌نامه‌ها، صورت جلسات، گزارش کمیته‌ها به دست آمده از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی برنامه‌ریزی و منابع دست دوم استفاده عبارت بودند از: موتور جستجو گوگل اسکولار و سایت‌های معتبر از قبیل اریک^۱، الزویر^۲،

بلک‌ول^۱ و ISI، متون و کتاب‌های تاریخی و مجلات منتشر شده در دانشنامه‌ها برای یافتن منابع مورد نظر استفاده شد. علاوه بر این‌ها از اطلاعات اعضای هیأت علمی در رشته برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌های دولتی و مسئولین و دست‌اندرکاران و کارشناسان حوزه ستادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مرتبط با حوزه برنامه درسی) به‌عنوان مطلعین کلیدی استفاده شد. مطلعین کلیدی با مشورت تیم پژوهشی و با استفاده از «رویکرد هدفمند» انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از خبرگان تخصصی (مطلعین کلیدی)، از روش مصاحبه عمیق براساس الگوی مصاحبه‌های کیفی و با رعایت موازین آن و استفاده از «معیار اشباع نظری» با ۱۱ نفر به‌عنوان نمونه در مدت زمان تقریبی بین ۲۰ تا ۴۵ دقیقه مصاحبه صورت گرفت. سپس داده‌های گردآوری شده از طریق تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از کدگذاری به روش گلنیزر^۲، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر این اساس، در گام نخست، داده‌ها طی فرآیند مصاحبه گردآوری شد، سپس متون مصاحبه‌مکتوب به دفعات مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفت و فهرستی از کدهای اولیه ایجاد شد. در گام‌های بعد کدهای به دست آمده در گروه‌های مشابه و منسجمی دسته‌بندی شدند و چندین بار مورد تحلیل و بازبینی قرار گرفت. برای بررسی اعتبار داده‌های به دست آمده، از معیارهای اعتبارسنجی کیفی قابل قبول بودن و قابل اعتماد بودن استفاده شد. برای بررسی معیار «قابل قبول بودن» داده‌ها، از روش‌های همسوسازی داده‌ها که با جمع‌آوری داده‌های کافی از منابع متعدد مانند خبرگان کلیدی، منابع و مستندات علمی و پژوهشی، پیشینه‌های نظری و پژوهشی، خودبازبینی محقق و کنترل اعضای شرکت‌کننده در پژوهش و برای بررسی معیار «قابل اعتماد بودن» نیز کلیه فرآیندها و مراحل در پژوهش طی گردید. و در نهایت جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران شناسایی شد.

یافته‌های پژوهش

۱- فرآیند برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی (۱۳۷۹-۱۳۶۳)

در این دوره برای تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب اسلامی برنامه‌های دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به صورت متمرکز و به وسیله شورای عالی برنامه‌ریزی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورد بازبینی قرار گرفت و دانشگاه‌ها ملزم به اجرای مصوبات آن شورا شدند. چنین اقدامی اختیار برنامه‌ریزی را از هیأت علمی دانشگاه‌ها سلب کرد. به‌علاوه بسیاری از مطالبی که به‌عنوان سرفصل در برنامه‌های درسی گنجانده شد، با شتاب‌زدگی و از روی منابع خارجی یا کتاب‌های موجود انتخاب گردید. بدین ترتیب نظام برنامه‌ریزی

بررسی جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران ۱۶۷

درسی متمرکز سایه خود را بر آموزش عالی کشور نیز افکند (خبره شمار ۱۰، ۹، ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، موسی‌پور، ۱۳۹۶). (۱۳۷۸).

از نظر خبره شمار یک (۱۳۹۶) از ویژگی‌های اساسی این دوره می‌توان به تمرکزگرایی شدید و غیرتخصصی بودن تهیه برنامه‌ها اشاره کرد، یعنی برنامه‌های درسی که در این دوره در کمیته‌های تخصصی طراحی می‌شد بیشتر فهرست دروس بودند تا برنامه درسی، برای مثال گروه تخصصی فیزیک یکسری درس گذاشته و این فهرست را منگنه کرده و فرستاده است برای دانشگاه‌ها، تحت عنوان برنامه درسی. درحالی که این برنامه درسی نیست، در هیچ‌کدام از برنامه‌ها به روش تدریس، فرایند یادگیری، روش ارزیابی اشاره نشده بود، صرفاً یکسری سرفصل‌ها لیست شده بود و گفته شده بود چه افرادی می‌توانند وارد این دوره شوند، این دوره چقدر طول می‌کشد همین. نقد دیگر این بود که دانشگاه‌ها در تهیه برنامه درسی قدرت مانور ندارند، گروه‌های علمی در دانشگاه‌ها، استقلال رأی و هویت تخصصی خود را نمی‌توانند اعمال کنند، چرا، چون سرفصل‌ها به‌صورت متمرکز از وزارت علوم ارسال می‌شد.

خبره شماره ۴ (۱۳۹۶) معتقد است فرایند برنامه‌ریزی درسی (تولید، اجرا، ارزشیابی) در این دوره به‌صورت انحصاری در وزارت فرهنگ و آموزش عالی صورت می‌گرفت و متخصصین حوزه برنامه درسی و اعضای هیأت علمی دخالت یا مشارکت ناچیز در این فعالیت داشتند، که این امر از طریق شرکت در کمیسیون‌ها یا گروه‌های برنامه‌ریزی درسی شورای عالی برنامه‌ریزی صورت می‌گرفت.

از نظر خبره شماره ۸ (۱۳۹۶) اختیار و مسولیت نهایی تصمیم‌گیری در خصوص برنامه‌های درسی دانشگاهی بر عهده شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم بود. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به‌صورت جداگانه و منفرد حق برنامه‌ریزی درسی و تصمیم‌گیری در این زمینه را نداشتند و تصمیمات احتمالی که در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی راجع به برنامه درسی اتخاذ می‌شود، مشروط به بازنگری و تأیید وزارت مربوطه بود و امکان داشت که تأیید و تصویب شود یا مورد تأیید قرار نگیرد. بنابراین فرایند برنامه‌ریزی درسی (تولید، اجرا، ارزشیابی) از طریق شرکت تعداد محدودی از اعضای هیأت علمی حوزه موضوعی و بدون مشارکت متخصصین حوزه برنامه درسی در گروه‌ها و کمیته‌های برنامه‌ریزی درسی شورای عالی برنامه‌ریزی و به‌صورت متمرکز صورت می‌گرفته است.

خبره شماره ۹، ۷، ۲ (۱۳۹۶) معتقدند یکی از نقاط ضعف گروه‌ها و کمیته‌های برنامه‌ریزی شورای عالی برنامه‌ریزی عدم دعوت از متخصصان حوزه برنامه درسی برای شرکت در جلسات گروه‌ها و کمیته‌های برنامه‌ریزی درسی شورای عالی برنامه‌ریزی بود. این امر موجب شد که

برنامه‌های درسی تولید شده منطبق با اصول علم برنامه‌ریزی درسی نباشد و بیشتر شبیه فهرستی از دروس باشد که می‌بایست توسط اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌ها تدریس شود.

۲- نظام برنامه‌ریزی درسی در دوره تمرکزگرایی (۱۳۷۹-۱۳۶۳)

پس از تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی برنامه‌ریزی شکل گرفت. این شورا طبق مصوبه جلسه فوق‌العاده مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی برای امر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی و تدوین و تصویب آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی از میان صاحب‌نظران و استادان باتجربه دانشگاه‌ها تشکیل شد (خبره شماره ۲، ۱۳۹۶).

شورای عالی برنامه‌ریزی دارای ۹ گروه برنامه‌ریزی، ۷۱ کمیته تخصصی، ۲ کمیسیون دائمی و بیش از ۴۵۰ نفر عضو رسمی (در این دوره) بود. رئیس شورای عالی برنامه‌ریزی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی بود. رؤسای گروه‌های برنامه‌ریزی و دبیر شورا با پیشنهاد وزیر فرهنگ و آموزش عالی و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، انتخاب می‌شدند اعضای کمیته‌های تخصصی به پیشنهاد سرپرست کمیته و تصویب گروه و حکم وزیر انتخاب می‌شوند (خبره شماره ۲، ۱۳۹۶، دفتر امور آموزشی و تحصیلات تکمیلی، ۱۳۷۷).

گروه‌ها و کمیته‌های تخصصی

گروه‌های برنامه‌ریزی شورای عالی برنامه‌ریزی عبارت بودند از:

- ۱- گروه پزشکی (۴ کمیته)؛ ۲- گروه علوم انسانی (۱۵ کمیته)؛ ۳- گروه علوم پایه (۷ کمیته)؛ ۴- گروه فنی، مهندسی (۱۶ کمیته)؛ ۵- گروه کشاورزی (۱۲ کمیته)؛ ۶- گروه هنر (۴ کمیته)؛ ۷- گروه هماهنگی تربیت معلم (۲ کمیته)؛ ۸- گروه هماهنگی علمی، کاربردی (۶ کمیته)؛ ۹- گروه دامپزشکی (۴ کمیته)؛ (همان).

تعداد برنامه‌های مصوب

در بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ در گروه‌های مختلف شورای عالی برنامه‌ریزی مجموعاً ۸۵۷ برنامه تهیه، تدوین، بررسی و به تصویب رسید. از این تعداد برنامه ۱۱۵ برنامه متعلق به گروه پزشکی، ۲۴۹ برنامه متعلق به علوم انسانی، ۵۲ برنامه متعلق به علوم پایه، ۱۸۷ برنامه متعلق به گروه فنی و مهندسی، ۵۴ برنامه متعلق به گروه کشاورزی، ۴۳ برنامه متعلق به گروه هنر، ۲۵ برنامه متعلق به گروه هماهنگی تربیت معلم، ۱۱۲ برنامه متعلق به گروه علمی و کاربردی، ۶ متعلق به کمیته گروه دامپزشکی، ۱۳ برنامه متعلق به کمیته نظامی و انتظامی است.

۱۶۹ بررسی جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران

جدول شماره ۱. برنامه‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی به تفکیک گروه ۱۳۶۷-۱۳۷۶

گروه‌های آموزشی	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	جمع
پزشکی	۱۰	۸	۷	۲	۸	۲	۱۳	۳۵	۱۸	۱۲	۱۱۵
علوم انسانی	۱۴	۱۴	۲۱	۳۰	۲۳	۲۱	۲۰	۵۲	۲۹	۲۵	۲۴۹
علوم پایه	۸	۴	۲	۱	۴	۲۲	۴	۴	۱	۳	۵۳
فنی و مهندسی	۱۱	۹	۱۰	۲۵	۶	۲۳	۲۷	۳۴	۱۵	۲۷	۱۸۷
کشاورزی	۹	--	۲	۱۱	۱۲	۱۲	۶	--	۲	--	۵۴
هنر	--	--	۶	۷	--	۵	۵	۶	۴	۲	۴۳
هماهنگی تربیت معلم	--	--	--	--	--	۲۰	۲	--	۲	۱	۲۵
علمی کاربردی	--	--	--	۷	--	۱۴	۸	۳۰	۳۵	۱۸	۱۱۲
دام پزشکی	--	--	--	--	--	۳	۱	--	۲	--	۶
کمیته نظامی انتظامی	--	--	--	--	--	۲	--	--	۴	۷	۱۳
جمع	۶۰	۳۵	۴۸	۸۳	۵۳	۱۲۴	۸۶	۱۶۲	۱۱۲	۹۵	۸۵۷

جدول شماره ۲. برنامه‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی به تفکیک مقطع تحصیلی ۱۳۶۷-۱۳۷۶

مقطع	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	جمع
کاردانی	۱۷	۷	۳	۱۵	۸	۳۷	۴	۳۳	۳۸	۲۱	۱۸۳
کارشناسی ناپیوسته	۱	--	--	۱۲	۳	--	۹	--	--	۳	۲۸
کارشناسی	۱۲	۱۲	۱۲	۳۴	۱۰	۳۲	۲۱	۴۴	۲۸	۲۵	۲۳۰
کارشناسی ارشد	۲۶	۱۵	۲۴	۱۸	۱۹	۳۶	۲۵	۶۱	۳۳	۳۰	۲۸۷
دکتری	۴	۱	۹	۴	۱۲	۱۹	۲۷	۲۴	۱۲	۱۶	۱۲۹
جمع	۶۰	۳۵	۴۸	۸۳	۵۳	۱۲۴	۸۶	۱۶۲	۱۱۲	۹۵	۸۵۷

بررسی نقاط قوت و ضعف شورای عالی برنامه‌ریزی در این دوره (۱۳۶۳ تا ۱۳۷۷)
در پروژه تحقیقی که دفتر امور آموزشی و تحصیلات تکمیلی (۱۳۷۷)، درخصوص نقاط قوت شورای عالی برنامه‌ریزی در این دوره (۱۳۶۳ تا ۱۳۷۷) انجام داد نتایج ذیل حاصل شد.
نقاط قوت

الف- ساختار تشکیلاتی، به یقین شورای عالی برنامه‌ریزی را می‌توان یک الگوی خوب و موفق از نظر ساختار تشکیلاتی به‌شمار آورد، که با دبیرخانه کوچک با تعداد اندک کارکنان (۲۳) نفر کاری بزرگ و اساسی را پیش برد.

ب- ایجاد هماهنگی در برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها، شورای عالی برنامه‌ریزی به‌عنوان عالی‌ترین نهاد برنامه‌ریزی در آموزش عالی گام‌های اساسی و مؤثری را در جهت ایجاد هماهنگی در برنامه آموزشی دانشگاه‌ها در مقاطع مختلف تحصیلی برداشت.
گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری آموزشی (۱۳۷۷) نیز با استفاده از نظرات مسئولین و روسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به نقد کلی ساختار فرایند برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی در این دوره (۱۳۶۳ تا ۱۳۷۷) پرداخت که نکات زیر قابل ذکر است.

نقاط ضعف

- ایستا بودن فرایند برنامه‌ریزی کنونی و عدم هماهنگی برنامه‌ها با نوآوری‌های علمی و تکنولوژی در جهان
 - عدم بکارگیری توان کارشناسی در حوزه‌ها و رشته‌های تخصصی در طراحی و تصویب دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی و درسی
 - کاربردی نبودن محتوای رشته‌های تحصیلی موجود و عدم وجود قابلیت انعطاف کافی در برنامه‌ها به دلیل وجود نظام متمرکز برنامه‌ریزی
 - عدم وجود روحیه آینده‌نگری در برنامه‌ها و اینکه تحقیقات در تهیه برنامه‌ها از جایگاه محکمی برخوردار نیست.
 - عدم مشارکت کافی همه دانشگاه‌ها در فرایند تهیه و تنظیم برنامه‌ها
 - عدم توجه به تقویت مهارت حل مسئله و تفکر در دانشجویان در برنامه‌های فعلی
 - نبود فرایند بروزرسانی محتوای دروس همگام و به سوی مرزهای جهانی علم
 - عدم توجه به نیازسنجی از بخش‌های جامعه در تهیه و توین برنامه‌های درسی
 - ۳- برنامه درسی به‌مثابه رشته تحصیلی در دوره تمرکزگرایی (۱۳۷۹-۱۳۶۳)
- برنامه درسی به‌عنوان رشته تحصیلی با احساس نیاز به متخصصین کارآموده در این حوزه و از سال ۱۳۶۵ و با راه‌اندازی دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی آغاز شد. تربیت نیروی انسانی

بررسی جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران ۱۷۱

درحوزه برنامه‌ریزی درسی با درخواست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش آغاز و منجر به آن شد که دانشگاه تربیت معلم در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ از میان کارشناسان مربوطه اقدام به پذیرش دو دوره دانشجوی کند تا در دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی تحصیل نمایند و البته پس از کسب صلاحیت‌های لازم و اخذ مدرک به وزارت آموزش و پرورش باز گردند و به تولید برنامه درسی بپردازند. این شیوه را آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۷ طی تفاهم‌نامه‌ای با دانشگاه علامه طباطبایی دنبال کرد که منجر به اجرای یک دوره کارشناسی ارشد گردید. تصویب برنامه دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی سبب شد نخستین بار دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی با پذیرش دانشجو از طریق کنکور سراسری در دانشگاه تربیت معلم از سال ۱۳۶۷ تأسیس گردد (موسی‌پور، ۱۳۸۷).

جدول شماره ۳. ظرفیت پذیرش دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۹ دانشگاه‌های دولتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (دفترچه انتخاب رشته دوره کارشناسی ارشد سازمان سنجش، ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۹).

سال تحصیلی	دانشگاه	تربیت معلم	دانشگاه	طباطبایی	تبریز	شهید بهشتی	جمع
۱۳۷۹	۶	۱۲	۶	---	---	۲۴	
۱۳۷۸	۶	۱۰	۴	۱۰	---	۲۰	
۱۳۷۷	۱۰	۱۰	---	---	۲۰	۲۰	
۱۳۷۶	۱۰	۱۰	---	---	۲۰	۲۰	
۱۳۷۵	۱۰	۱۰	---	---	۲۰	۲۰	
۱۳۷۴	۱۰	۱۰	---	---	۲۰	۲۰	
۱۳۷۳	۸	۸	---	---	۱۶	۲۰	
۱۳۷۲	۱۰	۱۰	---	---	۲۰	۱۹	
۱۳۷۱	۹	۱۰	---	---	۱۹	۱۶	
۱۳۷۰	۸	۸	---	---	۱۶	۲۵	
۱۳۶۹	۱۷	۸	---	---	۲۵	۸	
۱۳۶۸	۸	---	---	---	۸	۸	
۱۳۶۷	۸	---	---	---	۸	۸	

- جمع پذیرش دانشجو برنامه‌ریزی درسی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های دولتی از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۹ تعداد ۲۴۶ دانشجو بوده است.

- در سال ۱۳۶۹ هفت نفر از ظرفیت پذیرش دانشگاه تربیت معلم بورسیه آموزش و پرورش بودند، و دوره برگزار شده در دانشگاه علامه طباطبایی با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی وابسته به وزارت آموزش و پرورش برگزار شد.

- در سال ۱۳۷۰ دانشگاه علامه دوره را با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار کرد.

- در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه علامه طباطبایی تربیت معلم هر کدام یک نفر متعهد خدمت به آموزش و پرورش را پذیرش کردند (دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون کارشناسی ارشد، ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۹).

از سوی دیگر با توجه به احساس نیاز به علم روز در این حوزه در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، مسئولین وزارت علوم تصمیم به اعزام دانشجو در این رشته به خارج کشور گرفتند (راهنمای انتخاب رشته تحصیلی آزمون دکتری تخصصی اعزام بخارج کشورگروه علوم تربیتی- رشته برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲).

جدول شماره ۴. ظرفیت پذیرش آزمون دکتری تخصصی اعزام به خارج کشور، گروه علوم تربیتی، رشته برنامه‌ریزی درسی و آموزشی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ (دفترچه انتخاب رشته دوره دکتری اعزام به خارج کشور سازمان سنجش، ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۹).

۱۳۷۲	۱۳۷۰-۱۳۷۱	سال تحصیلی
		بورسیه دانشگاه
	۱	دانشگاه تربیت معلم اراک
	۲	دانشگاه تربیت معلم تهران
	۱	دانشگاه تربیت معلم زاهدان
	۱	دانشگاه شهید بهشتی
	۲	دانشگاه علامه طباطبایی
	۱	سازمان سنجش آموزش کشور
۱	۲	موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
۲	۶	وزارت آموزش و پرورش
	۱	وزارت فرهنگ و آموزش عالی
	۲	معاونت آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی

	۱	دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی
۱		دانشگاه پیام نور
۱		دانشگاه زنجان
۵	۲۰	جمع

در همین دوره و با توجه به نیازهای آشکار به دانش‌آموختگان برنامه درسی، برخی از آگاهان و متخصصان برای راه‌اندازی دوره دکترای برنامه‌ریزی درسی و فلسفه تعلیم و تربیت اقدام و برنامه درسی این دوره توسط شورای عالی برنامه‌ریزی تدوین شد (موسی‌پور، ۱۳۸۷). این برنامه را در سال ۱۳۶۸ در دانشگاه تربیت معلم به اجرا درآورد و به سرعت در دانشگاه‌های دیگر نیز گسترش یافت. هم‌اکنون دانشگاه‌های تربیت معلم، تربیت مدرس، اصفهان، شیراز، فردوسی مشهد و آزاد اسلامی (در چند واحد) در دوره دکترای این رشته دانشجوی پذیرش می‌کنند.

جدول شماره ۵. اهداف برگزاری دوره دکتری (مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۹۳)

اهداف برگزاری دوره دکتری برنامه‌ریزی درسی (مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی ۱۳۶۷)	اهداف برگزاری دوره دکتری برنامه درسی (مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی ۱۳۹۳)
بالا بردن سطح آموزش، تدریس و پژوهش در جهت نیل به خودکفایی علمی در زمینه‌های مربوطه می‌باشد.	تربیت متخصصان با صلاحیت در زمینه‌های برنامه درسی تربیت متخصصان با صلاحیت در زمینه‌های مبانی دینی برنامه درسی
تربیت افرادی که ضمن درک اصول و مبانی تعلیم و تربیت به‌طور اعم و تعلیم و تربیت اسلامی به‌طور اخص نیازهای آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزشی و تحقیقاتی کشور را تأمین نمایند.	تربیت متخصصان با صلاحیت در زمینه‌های روش‌های تحقیق برنامه درسی
	نشر و کاربرد دانش تخصصی برنامه درسی در سطح مؤسسات آموزشی و پژوهشی

جدول شماره ۶. اهداف برگزاری دوره کارشناسی ارشد (مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۹۳)

اهداف برگزاری دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی (مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی ۱۳۶۹)	اهداف برگزاری دوره کارشناسی ارشد برنامه درسی (مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی ۱۳۹۳)
تربیت افراد متخصص در زمینه‌های برنامه‌ریزی آموزشی و درسی با عنایت به جهان‌بینی اسلامی، ویژگی‌ها و نیازهای فردی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی علمی جامعه امروز و فردای ما.	تربیت متخصص در حوزه‌های برنامه‌ریزی درسی، پژوهش و آموزش.
تربیت مدرسان متعهد و متخصص که بتوانند در آینده عهده‌دار تدریس، تحقیق و تربیت نیروی انسانی لازم در این رشته علمی باشند.	کسب آمادگی لازم برای ورود به عرصه پیشرفته مطالعات برنامه درسی در دوره دکتری.

۴ و ۵- برنامه درسی به‌مثابه حرفه و دانش در دوره تمرکزگرایی (۱۳۶۳-۱۳۷۹)

در این دوره، پژوهش در زمینه‌های گوناگون آموزش و پرورش و آموزش عالی نسبت به دوره قبل گسترشی چشم‌گیر داشته است. یکی از دلایل این گسترش را می‌توان توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) در دانشگاه‌های کشور دانست. دانشجویان این دوره‌ها برای اخذ درجات علمی کارشناسی ارشد و دکتری ناگزیر بودند به تحقیق و تهیه پایان‌نامه (با رساله دکتری) به راهنمایی استاد در زمینه تخصصی خود بپردازند. گرچه، کاردان (۱۳۸۳) اظهار داشته «عیب مهمی که در این پژوهش‌های رسمی و دانشگاهی دیده می‌شود، این است که در آن‌ها از برنامه پژوهش روشن و سازمان‌یافته‌ای که در راستای نیازهای نظری و عملی نظام آموزشی کشور باشد پیروی نمی‌شود»، اما این اقدامات پیشرفت قابل توجهی محسوب می‌شود (موسی‌پور، ۱۳۸۷).

ایجاد دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترای برنامه‌ریزی درسی سبب شد ده‌ها تن به دریافت مدرک تحصیلی این رشته نایل آیند و در کنار دو گروهی قرار گیرند که دست‌اندرکار تولید برنامه‌های درسی بودند و یا با سوابق تحصیلی متفاوت، اما مرتبط، در اقدام به تربیت دانش‌آموختگان این رشته نقش ایفا می‌کردند (خبره شماره ۴، ۲، ۱۳۹۶). این گروه از سویی در تلاش برای اثبات هویت رشته‌ای خود و از سوی دیگر با انتظارات اجتماعی برای ایفای نقش حرفه‌ای مواجه بوده‌اند. این دو عامل سبب شد تا دفاع از هویت و اظهار صلاحیت به طرق گوناگون انجام شود؛ که موارد اصلی آن بدین شرح است:

تولید آثار علمی، انتشار حدود یک صد اثر مربوط به برنامه‌ریزی درسی به‌صورت ترجمه و تألیف طی بیست سال گذشته از سویی همت بلند و از سویی توانایی برنامه‌ریزان درسی را آشکار می‌کند. این آثار زمینه‌ای مناسب را برای آموزش، پژوهش و عمل در این حوزه پدید آورده است (موسی‌پور، ۱۳۸۷).

ایجاد کرسی‌های علمی در مراکز آموزشی، تدریس دروس مربوط به برنامه‌ریزی درسی طی این دوره به صورت تخصصی دنبال شده و حتی در میان برنامه‌ریزان درسی نیز گرایش‌هایی ویژه پدید آمده است که بر پایه علایق و سوابق آنان معنادار است. در میان این گروه می‌توان کسانی را یافت که بر موضوعات خاصی در درون رشته برنامه‌ریزی درسی مثل مبانی، طراحی، تولید، پژوهش، ارزشیابی، تاریخ، نظریه‌پردازی، مواد درسی یا دیسپلین‌ها و یا سطوح تحصیلی از قبیل ابتدایی، متوسطه و عالی متمرکز شده‌اند و کم و بیش با آن تخصص شناخته می‌شوند (خبره شماره ۱، ۳، ۵، ۷، ۱۳۹۶، موسی‌پور، ۱۳۸۷).

انتشار مجله مطالعات برنامه درسی، از این مجله، که به صورت فصلنامه منتشر می‌شود، طی چهار سال فعالیت، تاکنون نه شماره و در هر شماره حداقل پنج مقاله (در کل حدود پنجاه مقاله) منتشر شده است. این مجله به صورت تخصصی به انتشار مقالات علمی-پژوهشی می‌پردازد و در کار خود دارای نوآوری‌هایی بوده است که از جمله می‌توان به نقد کتاب اشاره کرد. در قسمت نقد کتاب این مجله هم کتاب‌های داخلی و هم کتاب‌های خارجی نقد می‌شود. در نقد کتاب‌های خارجی، نقدهای نشریات معتبر ترجمه و منتشر می‌شود. در نقد کتاب‌های داخلی، جلسه نقد با حضور مؤلف برگزار می‌گردد و نظرات ارائه شده پس از ویراستاری منتشر می‌شود (خبره شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، موسی‌پور ۱۳۸۷).

رخدادهای اثرگذار بر نظام برنامه درسی

علاوه بر تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، تأسیس شورای عالی برنامه‌ریزی درسی، ایجاد کرسی‌های علمی در مراکز آموزشی، تولید آثار علمی، این دوره با رخدادهایی همراه شد که بر آموزش عالی و نظام‌های مربوط به آن تأثیرات جدی و گسترده نهادند. در میان این رخدادها، پنج مورد بر حوزه برنامه درسی آموزش عالی اثر مستقیم داشت.

۱- تأسیس دانشگاه علمی کاربردی

در اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲-۱۳۶۸) و با توجه به نیازهای مبرم حرفه‌ای و مهارتی برای برنامه‌های سازندگی و توسعه، گروه هشت علمی - کاربردی به گروه‌های شورای عالی برنامه‌ریزی افزوده شد و سپس شورای عالی آموزش های علمی-کاربردی بوجود آمد (مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، بی‌تا، مصوبه ۶۹/۱۰/۱۱). در ماده ۲ آیین‌نامه شورای مذکور تصریح شده بود که هدف، تربیت افرادی دانش آموخته و ماهر برای احراز شغل و حرفه در بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات است (گروه پژوهش‌های آماری و انفورماتیک، ۱۳۷۸).

همان‌طور که پیش از این نشان داده شد. برنامه‌ریزی آموزشی و درسی در نظام آموزش عالی به‌ویژه بخش دولتی آن به شیوه کاملاً متمرکز صورت می‌گیرد. این برنامه‌ریزی از عنوان رشته، گرایش و سطح تحصیلات، تعداد کل واحدها، توزیع واحدهای درسی بین دروس عمومی، دروس اختیاری، دروس اختصاصی، پیش‌نیازها، تفکیک دروس نظری از عملی و کارآموزی و شروع شده و به سرفصل دروس، کتاب‌های مرجع تدریس خاتمه می‌یابد. بالاترین مرجع در نظام برنامه‌ریزی درسی و آموزشی شورای عالی برنامه‌ریزی است و امور مربوط به آموزش‌های علمی کاربردی به گروه هشتم این شورا واگذار شده است (نفیسی، ۱۳۸۰).

۲- تشکیل سازمان سمت

سازمان سمت به‌منظور رفع نیاز دانشگاه‌های کشور به بررسی و تحقیق جهت تهیه و تدوین و ترجمه کتب و مآخذ درسی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی و انسانی، و براساس مصوبه سیزدهمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۷ سازمانی بنام سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی که اختصاراً "سمت" نامیده می‌شود، به صورت سازمانی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی تأسیس می‌شود. برخی از وظایف سازمان مرتبط با حوزه برنامه درسی:

۱- برقرار کردن ارتباط میان علمای حوزه‌های دینی و اساتید دانشگاه‌ها، جهت بحث و بررسی مشترک پیرامون مسایل علوم انسانی، از آن حیث که با مبانی و مسایل اسلامی ارتباط دارد.

۲- برگزار کردن سمینارهای تحقیقی و دعوت از صاحب‌نظران داخلی و خارجی جهت بررسی بنیادی در علوم انسانی به لحاظ ارتباطی که با مبانی و مسایل اسلامی دارد و همچنین تدوین حاصل این سمینارها به صورت مقاله، درسنامه، کتب و مآخذ درسی برای دانشگاه‌ها.

۳- ایجاد ارتباط میان این مرکز و مراکز مشابهی که در داخل و خارج کشور در زمینه علوم انسانی و اسلامی تحقیق می‌کنند، به‌منظور داد و ستد علمی و پژوهشی.

۴- بررسی و اظهارنظر در مورد کتب و مآخذ دروس دانشگاهی در علوم انسانی، از آن حیث که با مبانی و مسایل اسلامی و انقلاب فرهنگی ارتباط دارد، به‌منظور تأیید، اصلاح یا حذف آن‌ها.

۳- تأسیس آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی

از سال ۶۳ به بعد آموزش عالی رسمی غیردولتی در غیررشته‌های معارف اسلامی به رسمیت شناخته شد که مسئولین دانشگاه آزاد اسلامی، خود را نخستین مصداق بارز آن می‌دانستند. از سوی دیگر به دنبال مجاز شدن تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، در سال تحصیلی ۶۵-۶۶، علاوه بر دانشگاه آزاد اسلامی، ۳ موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی دیگر به مجموعه آموزش عالی افزوده شده بودند و دانشجو می‌پذیرفتند. اما هم‌چنان دانشگاه آزاد اسلامی عمده‌ترین ظرفیت موجود آموزش عالی غیردولتی در کشور بود (دفتر طرح و برنامه و مشاوره، ۱۳۶۶، به نقل از سلیمی، ۱۳۹۳).

۴- تأسیس آموزش از راه دور

برنامه‌های توسعه آموزش از راه دور، در طول دهه اول انقلاب معوق ماند و فقط اینجا و آنجا برخی محدودیت‌ها، ذهن بعضی از کارشناسان را به اهمیت و کار کرد شیوه به فراموشی سپرده شده آموزش از راه دور، معطوف می‌ساخت. به‌ویژه که در میان پشت کنکوری‌ها، تعداد دیپلمه های علوم انسانی از رشته‌های ریاضی فیزیک و تجربی بیشتر بود و مشکل فقدان مهارت و اطلاعات فنی جهت ورود به بازار کار و اشتغال در آن‌ها بیشتر از دیپلمه‌های ریاضی فیزیک و

تجربی بود. بدین ترتیب وجود دیپلمه‌هایی که به دانشگاه راه نمی‌یافتند، به معضل بزرگی برای جامعه تبدیل شده بود که سال به سال به ابعاد آن افزوده می‌شد. یکی از کار سازترین شیوه‌های مقابله با این معضل را "راه‌اندازی سیستم آموزش از راه دور و نیمه حضوری" یافته بود. و این در واقع بازگشت متصدیان برنامه‌ریزی آموزش عالی کشور به شیوه "آموزش از راه دور" پس از یک دهه به فراموشی سپرده شدن آن محسوب می‌شد. بدین ترتیب سرانجام در پاییز ۶۷، اساسنامه دانشگاه پیام نور در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید (مصوبات شورای مشترک کمیسیون‌های ۱ و ۲، ۶۷/۹/۱، ۶۷/۹/۸).

۵- جهت‌گیری‌های حوزه آموزش عالی در برنامه پنج ساله اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

جهت‌گیری‌های بخش آموزش عالی در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲) و جهت‌گیری‌های بخش آموزش عالی در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸-۱۳۷۳) تأثیر مستقیم بر حوزه برنامه درسی دانشگاهی داشت که بندهای مرتبط در جدول شماره ۷ ذکر شده است (پیوست برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سازمان برنامه و بودجه).

جدول ۷. جهت‌گیری‌های اساسی بخش آموزش عالی در برنامه‌های اول و دوم گسترش (سند برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)

جهت‌گیری‌های اساسی در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۸-۱۳۷۳)	جهت‌گیری‌های اساسی در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۲-۱۳۶۸)
- انطباق محتوای درسی رشته‌های مختلف آموزشی با نیازهای جامعه.	- بهبود شاخص‌های کیفی آموزش عالی.
- توأم ساختن آموزش با پژوهش در کلیه سطوح آموزش عالی.	- توأم ساختن آموزش با پژوهش در کلیه سطوح آموزش عالی.
- بهبود شاخص‌های کمی و کیفی آموزش عالی به‌ویژه آموزش‌های کارشناسی ارشد.	- توسعه و ارتقای علوم و معارف کشور.
- توسعه وظایف و اختیارات هیأت‌های امنا در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.	- فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای توسعه، تحقیقات و نوآوری و انتقال جذب تکنولوژی.
- توجه لازم به علوم و فنون و تکنولوژی مورد نیاز.	- برقراری و گسترش ارتباط متقابل مؤسسات آموزش عالی و سایر بخش‌های فرهنگی و صنعتی.
- افزایش مشارکت مردم در توسعه آموزش عالی	- ایجاد تعادل در زمینه امکانات و فرصت‌های آموزشی در سطوح کشور، منطقه و استان.
- تقویت جنبه‌های فرهنگی دانشجویان و تحقق معرفت دینی و ارزش‌های اسلامی در آنان.	- تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز.

ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌های شناسایی شده حاکم بر نظام برنامه درسی آموزش عالی در دوره تمرکزگرایی (۱۳۷۹-۱۳۶۳)

پس از تحلیل اسناد، مدارک، متون و یافته‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان کلیدی حوزه برنامه درسی و حوزه آموزش عالی جهت‌گیری‌ها و ویژگی‌های ذیل در حوزه برنامه درسی دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران شناسایی شد.

جدول ۸. تحلیل متون مرتبط با جهت‌گیری نظام برنامه درسی آموزش عالی در دوره تمرکزگرایی

(۱۳۷۹-۱۳۶۳)

ردیف	جملات استخراج شده	جهت‌گیری‌های استخراج شده
۱	در این دوره برای تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب اسلامی برنامه‌های دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به صورت متمرکز و به وسیله شورای عالی برنامه‌ریزی در وزارت علوم و تحقیقات و فناوری مورد بازبینی قرار گرفت و دانشگاه‌ها ملزم به اجرای مصوبات آن شورا شدند. چنین اقدامی اختیار برنامه‌ریزی را از هیأت علمی دانشگاه‌ها سلب کرد. بدین ترتیب نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز سایه خود را بر آموزش عالی کشور نیز افکند (خبره شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۳۹۶، موسی‌پور، ۱۳۸۷)	- مرکز ثقل برنامه‌ریزی درسی در شورایی متمرکز و بیرون از دانشگاه (۱۳۷۹-۱۳۶۳) - تمرکزگرایی در (طراحی، تولید، ارزشیابی) برنامه‌های درسی (۱۳۷۹-۱۳۶۳) - جهت‌گیری ایدئولوژیک (اسلامی) در برنامه‌های درسی (۱۳۶۳ به بعد)
۲	توام ساختن آموزش با پژوهش در کلیه سطوح آموزش عالی و تأمین نیازهای بنیادی پژوهش (خبره شماره ۲، ۸، ۶، ۲، برنامه اول توسعه در حوزه آموزش عالی (۱۳۷۲-۱۳۶۸)	جهت‌گیری به سوی توجه به امر پژوهش و تحقیق (۱۳۶۸ به بعد)
۳	از سال ۶۳ به بعد آموزش عالی رسمی غیردولتی در غیررشته های معارف اسلامی به رسمیت شناخته شد. از سوی دیگر به دنبال مجاز شدن تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، در سال تحصیلی ۶۶-۶۵، علاوه بر دانشگاه آزاد اسلامی، ۳ مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی دیگر به مجموعه آموزش عالی کشور افزوده شده بودند (دفتر طرح و برنامه و مشاوره، ۱۳۶۶، ۲۳-۱).	جهت‌گیری به سمت مشارکت بخش خصوصی و غیردولتی در آموزش عالی (۱۳۶۵ به بعد)
۴	انطباق محتوای درسی رشته‌های مختلف آموزشی با نیازهای جامعه	جهت‌دهی برنامه‌های درسی بسوی رفع نیازهای جامعه (۱۳۶۳ به بعد)

جدول ۹. تحلیل متون مرتبط با ویژگی‌های حاکم بر نظام برنامه درسی آموزش عالی در دوره تمرکزگرایی

(۱۳۷۹-۱۳۶۳)

ردیف	جملات استخراج شده	ویژگی‌های استخراج شده
۱	در این برهه الگوهای مدیریت و برنامه‌ریزی علمی و کارشناسی از هم پاشید، نهادها به صورت موازی با سازمان‌ها و دستگاه‌های متعارف پدیدآمد. بدین ترتیب دهه اول انقلاب به بی‌برنامگی و غیبت کامل تفکر مدیریت علمی و تعویق برنامه‌ریزی آموزش عالی با الگوی عقلانی سپری شد (فراستخواه، ۱۳۸۸).	- بی‌برنامگی و غیبت کامل تفکر مدیریت علمی (۱۳۷۲-۱۳۶۳)
۲	در ضوابط و نظام‌نامه شورای عالی برنامه‌ریزی، لزوم وجود متخصصین با تجربه در رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی در گروه‌ها و کمیته‌ها مورد غفلت قرار گرفته و تنها به متخصصین هر رشته که برای آن برنامه‌ریزی آموزشی می‌شد، آنهم به صورت انتخاب متمرکز واز بالا کفایت می‌شد (گزارش مجملی از مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۲، خبره شماره ۱۰، ۸، ۶، ۵، ۴، ۳، ۱).	- منطبق نبودن برنامه‌های درسی با اصول علمی برنامه‌ریزی آموزشی و درسی (۱۳۷۹-۱۳۶۳)
۳	از ویژگی‌های اساسی این دور ۱- تمرکزگرایی شدید ۲- غیرتخصصی بودن تهیه برنامه‌ها یعنی برنامه‌های درسی که در این دوره در کمیته‌های تخصصی طراحی می‌شد بیشتر فهرست دروس بودند تا برنامه درسی در هیچکدام از برنامه‌ها به روش تدریس، فرایند یادگیری، روش ارزیابی اشاره نشده بود. نقد دیگر این بود که دانشگاه‌ها در تهیه برنامه درسی قدرت مانور ندارند، گروه‌های علمی در دانشگاه‌ها استقلال رأی و هویت تخصصی خود را نمی‌توانند اعمال کنند، چرا، چون سرفصل‌ها به صورت متمرکز از وزارت علوم ارسال می‌شد (خبره حوزه آموزش عالی، شماره ۱، ۱۳۹۶).	- تمرکزگرایی شدید در برنامه‌ریزی درسی (۱۳۷۹-۱۳۶۳) - غیرتخصصی بودن تهیه برنامه‌های درسی و عدم قدرت مانور دانشگاه‌ها در تهیه برنامه درسی. - نادیده گرفتن استقلال رأی و هویت تخصصی گروه‌های علمی در دانشگاه‌ها.
۴	با توجه به تغییر علم ودانش در هر چند سال نمی‌توان از سرفصل‌ها و برنامه‌هایی که از عمر آن بیش از ۵ سال می‌گذشت استفاده کرد، بنابراین اعضای هیأت علمی سرفصل‌های ارسالی وزارت علوم را بصورت کامل اجرا نمی‌کردند (خبره حوزه برنامه درسی شماره ۴، ۱۳۹۶).	- عدم اجرای کامل سرفصل‌های ارسالی وزارت علوم، توسط اعضای هیأت علمی به دلیل به روز نبودن برنامه‌های درسی (۱۳۶۳ به بعد).
۵	متخصصین برنامه درسی در طول این مدت به خصوص در ده متأخر با وزارت علوم و شورای عالی برنامه‌ریزی قهر بودند، یعنی هیچکدام از چهره‌های مطرح حوزه برنامه‌ریزی درسی در هیچ یک از گروه‌های برنامه‌ریزی عضو نبودند و بیشتر در حال نقد این برنامه‌ها در خارج وزارت علوم بودند (خبره حوزه آموزش عالی، شماره، ۲، ۱۳۹۶).	- نامشخص بودن نحوه عضویت اعضای هیأت علمی در گروه‌های تخصصی شورای عالی برنامه‌ریزی - عدم تمایل متخصصین حوزه برنامه درسی برای حضور در گروه‌های تخصصی شورای عالی

<p>برنامه‌ریزی وزارت علوم (۱۳۶۳) به بعد).</p>	<p>در کمیته‌های تخصصی معلوم نیست افراد به چه صورتی عضو می‌شوند و اگر دانشگاه در گروهی نفوذ داشتند اعضای بیشتری از آن دانشگاه به عضویت کمیته در می‌آمدند (خبیره حوزه آموزش عالی، شماره، ۲، ۱۳۹۶).</p>	
<p>- عدم حضور متخصص حوزه برنامه درسی در مجموعه اداری شورای عالی برنامه‌ریزی - عدم نظارت متخصصین حوزه برنامه‌ریزی درسی در مراحل طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی (۱۳۶۳) به بعد).</p>	<p>در گروه‌های برنامه‌ریزی و در دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی متخصص تحصیل کرده رشته برنامه درسی حضور نداشت. همین الان هم در گروه‌های برنامه‌ریزی شورای عالی، متخصص رشته برنامه‌ریزی درسی نداریم که نظارت کند که مراحل علمی برنامه‌ریزی درسی در تدوین برنامه‌ها رعایت شود. از رشته برنامه‌ریزی درسی یک نفر (دکتر فتحی واجارگاه) در شورای عالی برنامه‌ریزی حضور دارد (خبیره حوزه آموزش عالی، شماره ۲، ۱۳۹۶).</p> <p>همین الان در دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی یک کارمند هم با مدرک برنامه‌ریزی درسی نداریم. در حال حاضر ۶۱۰ نفر در ۷۰ گروه مشغول برنامه‌ریزی درسی هستند ولی در هیچ یک از گروه‌ها متخصص برنامه‌ریزی درسی نداریم (خبیره حوزه آموزش عالی، شماره ۲، ۱۳۹۶).</p>	<p>۶</p>

جدول شماره ۱۰. ویژگی‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در ابعاد پنجگانه برنامه درسی

ویژگی‌های برنامه درسی	ابعاد برنامه درسی	دوره برنامه درسی
فرایند برنامه‌ریزی درسی در گروه‌ها و کمیته‌های برنامه‌ریزی شورای عالی برنامه‌ریزی با حضور متخصصین حوزه دانشی و غیبت متخصصین حوزه برنامه درسی برای رشته‌های تحصیلی صورت می‌گرفت.	فرایند	دوره تمرکزگرایی
نظام برنامه درسی به صورت متمرکز و در شورایی خارج از دانشگاه پایه‌ریزی شد.	نظام	
برنامه درسی به مثابه رشته تحصیلی در این دوره و با برگزاری مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری برنامه‌ریزی درسی مطرح شد.	رشته تحصیلی	
برنامه درسی به مثابه حرفه در این دوره و با عنوان آموزشگر (هیأت علمی) و پژوهشگر مطرح شد.	حرفه	
ادامه انتقال دانش برنامه درسی با ترجمه و تألیف کتب و مقالات در حوزه برنامه درسی.	دانش	

جدول شماره ۱۱. ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی

مضمون فراگیر	دوره برنامه درسی	ابعاد برنامه درسی	ویژگی‌های برنامه‌های درسی	جهت‌گیری‌های برنامه درسی
جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران	دوره تمرکزگرایی	فرایند	فرایند برنامه‌ریزی درسی در گروه‌ها و کمیته‌های برنامه‌ریزی شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم و با حضور متخصصین حوزه دانشی رشته‌های تحصیلی صورت می‌گرفت.	۱- جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک (اسلامی) حاکم بر برنامه‌های درسی (۱۳۶۳ به بعد)
		نظام	نظام برنامه درسی به‌صورت متمرکز و در شورایی خارج از دانشگاه پایه‌ریزی شد.	۲- جهت‌گیری‌های سیاسی حاکم بر آموزش عالی (۱۳۶۳ به بعد)
		رشته تحصیلی	برنامه درسی به‌مثابه رشته تحصیلی در این دوره و با برگزاری مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری برنامه‌ریزی درسی مطرح شد.	۳- جهت‌دهی برنامه‌های درسی به سوی رفع نیازهای جامعه (۱۳۶۳ به بعد)
		حرفه	برنامه درسی به‌مثابه حرفه در این دوره و با عنوان آموزشگر (هیأت علمی) مطرح شد.	۴- جهت‌گیری در جهت شکل‌گیری آموزش عالی خصوصی (۱۳۶۵ به بعد)
		دانش	ادامه انتقال دانش برنامه درسی با ترجمه و تألیف کتب و مقالات در حوزه برنامه درسی.	۵- مرکز ثقل برنامه‌ریزی درسی در شورایی متمرکز و بیرون از دانشگاه (۱۳۷۹-۱۳۶۳)

بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی تاریخ آموزش عالی نوین ایران، از لحاظ امور آموزشی و درسی، از ۱۳۱۳-۱۳۴۶ سیستم غیرمتمرکز، ۱۳۴۶-۱۳۵۹ سیستم نیمه متمرکز و ۱۳۵۹-۱۳۷۸ سیستم متمرکز را به خود اختصاص می‌دهد. اما حرکت از برنامه‌ریزی متمرکز به سمت غیرمتمرکز در آموزش عالی با توجه به شرایط و الزاماتی که از دیدگاه صاحب‌نظران در آموزش عالی جلوه‌گر هستند، از سال ۱۳۷۹ و با واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌های واجد شرایط آغاز شد (موسی‌پور و همکاران، ۱۳۸۴). از شروع برنامه توسعه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) سیستم متمرکز بر برنامه درسی دانشگاهی حاکم شد و از سال ۱۳۹۲ و در اواسط برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۵) و آغاز برنامه ششم (۱۳۹۶ به بعد) شاهد نظام برنامه‌ریزی درسی نیمه متمرکز در حوزه آموزش عالی می‌باشیم.

در این پژوهش سعی محققین بررسی جهت‌گیری‌ها و ویژگی‌های برنامه‌های درسی در نظام آموزش عالی ایران در دوره تمرکزگرایی بود، که با واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به شورای عالی برنامه‌ریزی در بدنه وزارت علوم در سال ۱۳۶۳ آغاز و تا سال ۱۳۷۹ به طول انجامید. در این دوره کلیه امور مربوط به برنامه‌ریزی درسی (طراحی، تولید، ارزشیابی) به صورت متمرکز در گروه‌ها و کمیته‌های برنامه‌ریزی درسی شورای عالی برنامه‌ریزی صورت می‌گرفت و دانشگاه‌ها، اعضای هیأت علمی و متخصصین حوزه برنامه درسی فاقد اختیار لازم در این خصوص بودند. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش سلیمی و همکاران (۱۳۹۳)، وزیری (۱۳۷۸)، فتحی و اجارگاه، نوروززاده (۱۳۸۷)، محمدی مهر و سلیمی (۱۳۷۸)، نوروززاده (۱۳۸۵) همسویی و همخوانی دارد. برای مثال نتایج پژوهش نوروززاده (۱۳۸۵) نشان داد که بنابر ضرورت‌هایی، پس از روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، برنامه‌ریزی آموزشی و درسی متمرکز بر نظام آموزش عالی حاکم شد، و به تعیین جهت‌گیری‌های برنامه‌ریزی آموزشی و درسی پرداخت همسویی و همخوانی دارد. از تحولات نظام آموزش عالی که بر حوزه برنامه‌ریزی درسی در این دوره تأثیرگذار بود می‌توان به تأسیس دانشگاه علمی کاربردی که منجر به شکل‌گیری گروه هشت شورای عالی برنامه‌ریزی شد، تشکیل سازمان سمت، تأسیس آموزش عالی غیردولتی و شکل‌گیری آموزش از راه دور نام برد. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش سلیمی و همکاران (۱۳۹۳)، همسویی و همخوانی دارد. از رخداد های اثرگذار در حوزه برنامه درسی نیز می‌توان به تأسیس رشته برنامه‌ریزی درسی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در این دوره اشاره کرد که منجر به شکل‌گیری حوزه مطالعاتی برنامه درسی به عنوان رشته تحصیلی گردید. تألیف و ترجمه آثار و مقالات در حوزه برنامه درسی، ایجاد کرسی‌های علمی در مراکز آموزشی و انتشار مجله مطالعات برنامه درسی از دیگر رخداد های اثرگذار حوزه برنامه درسی می‌باشد. این یافته‌های پژوهش با نتایج پژوهش موسی‌پور (۱۳۸۷)، همسویی و همخوانی دارد. در این دوره نگاه دولت‌مردان به دانشگاه تحت تأثیر گفتمان مسلط سازندگی اوایل انقلاب تغییر یافت؛ به گونه‌ای که به دانشگاه صرفاً به عنوان یک کارخانه نیروسازی و بنگاه علمی نگاه می‌شد، که دستگاه تأمین‌کننده نیروی انسانی ماهر بود، بنابراین جهت‌گیری برنامه‌های درسی به سوی رفع نیازهای جامعه گرایش پیدا کرد.

- با عنایت به حجم ناچیز فعالیت‌های علمی از انواع مختلف در حوزه تاریخ برنامه درسی آموزش عالی ایران، انجام این گونه پژوهش‌ها در ابعاد مختلف برنامه درسی دانشگاهی ضروری به نظر می‌آید.
- تلاش‌های صورت گرفته برای بررسی، ارزشیابی، اصلاح، و تغییر برنامه‌های درسی آموزش عالی ایران جمع‌آوری و برای پژوهش آتی در اختیار محققین قرار گیرد.
- بررسی عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی مؤثر در شکل‌گیری دوره‌های مختلف در نظام برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی ایران (تمرکزگرایی، نیمه متمرکز، عدم تمرکز) مورد کنکاش محققین قرار گیرد.

منابع

- A summary report of the Cultural Revolution Headquarters. (1994). Tehran, Archive of the Supreme Council of the Cultural Revolutionary Council, (bita).
- Arefi, M. (2005). *Strategic Curriculum in Higher Education*, Jihad University Press Center , Shahid Beheshti University Press, First Edition.
- Barentt, R.& Coate, K. (2005). *Engaging The Curriculum In Higher Education Mc Graw*. Hill International.
- Collection of Approvals of the Supreme Council of the Cultural Revolution, beta, Approval of the Joint Council of the Committees 1 and 2, 1996.
- Department of Comparative Studies and Educational Innovation (1998). *Critical Review of the Structure of Academic Curriculum Planning*, Institute for Research and Planning for Higher Education.
- Department of Statistical and Informatics Research (1999). *Iranian higher education statistics*, Tehran, Institute for Research and Planning for Higher Education.
- Farashkhah, M. (2009). *History of university in Iran, historical study of higher education and socio-political and cultural changes affecting it*. Tehran, Rasa Cultural Service Institute, 784 pages.
- Fathi Vajargah, K. & Norouzadeh, R. (2008). *Income on Academic Planning*, Publisher. *Institute for Research and Higher Education Planning*, First Edition.
- Fathi Vajargah, K. (2004). *Editorial Note Editorial Board of the Iranian Curriculum Association*.
- Fathi Vajargah, K. (2009). *Principles and Concepts of Curriculum Planning*. Publishing ball.
- Golkar, S. (2007). *The Relationship between Pahlavi System and University in Iran*. Islamic Azad university, 11th Year, No. 3.
- Goya, Z. & gadeksas, L. (2005). *A New Explanation for Concentration and Decentralization in Iran. Conference on Concentration and Disentanglement in Curriculum Planning*, Iran, Kerman
- Hicks, K. (2007). *Curriculum in higher education in Australia –Hello? Paper presented at 30th HERDSA Annual Conference*. 8-11 July 2007 Adelaide, Australia. Available at :www.herdsa.org.au/wp.

- Islamic Educational Committee, Cultural Revolutionary Command (1973). *Committee Report*, Tehran, Iran, Archives of the Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution.
- Johnson, B. Christensen, L. (2012). *Educational Research: Quantitative, Qualitative and Mixed Approach*. SAGE Publication, 625P.
- Letter of Authorization for Curriculum Placement to Universities (2000). Ministry of Science, Research and Technology.
- Momeni Mahmoe, H. & Fathi Vajargah, K. (2005). Investigating the Role of Factors Affecting the Participation of Faculty Members in Higher Education Planning, Decentralization Steps. *Conference on Concentration and Disentanglement in Curriculum Planning*, Iran, Kerman.
- Momeni Mahmoe, H., Shariatmadari, A. & Naderi, E. (2008). Qualitative Curriculum in Higher Education. *Educational Research*, Islamic Azad University, Bojnourd Branch, No. 17.
- Mospour, N. & etal. (2005). Faculty Members' Readiness to Adopt Non-Focused School Curriculum in Higher Education in Iran. *Conference on Concentration and Disentanglement in Curriculum Planning*, Iran, Kerman.
- Noahi, E. (2005). Concepts and Patterns of Centralized and Neutralized Curriculum Planning in Medical Education. *Conference on Concentration and Disentanglement in Curriculum Planning*, Iran, Kerman.
- Office of Educational Affairs and Graduate Studies (1998). Review of the Structure of Higher Education Planning. Ministry of Culture and Higher Education
- Office of Planning and Consultation (1983). The plan to increase the quantity of higher education in the country. Tehran, *Supreme Council of the Cultural Revolution*, 23-1.
- Salimi, J. & Mohammadi Mehr. M. (1999). Global Perspectives and National Challenges in Higher Education; Emphasis on Iranian Higher Education Curriculum. *Conferences and Concentration Conferences in Curriculum*.
- Salimi, L. & Fathi Vahjargah, K. & khashti aray, N. (2014). Explain the evolution and reform of higher education curriculum. PhD dissertation, Islamic Azad University.
- Stark, J. S. & Lattuca, L. R. (1997). *Shaping the college curriculum: Academic plans in action*. Needham Heights, MA: Allyn and Bacon.
- Supreme Council for Evaluation and Supervision. (1983). *Supreme Council of the Supreme Council for the Evaluation of the Supervision of the Cultural Revolutionary Command 1982 to 1983*. Collection of Council Reports from Universities and Higher Education Institutions in the academic year of 1382-83. Tehran, Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution, p. 71-1.
- Teichler, U. (2015). Higher Education Research. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 2nd edition, Volume 10. 862-869.
- Torkzadeh, J. & Nekoumand, S. (2015). Validating the Scale of University's Power of Response to Environment. *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*. 5, 241-252.